شاهدان غیرقابل اعتماد

ساعده دوست‌بخیر- خرداد ۱۴۰۰

عکس‌های مجموعه «به ما نگاه کنید» مهشید نوشیروانی، بهار ۱۴۰۰ در گالری امکان به نمایش گذاشته شد. طبق آنچه در بیانیه نمایشگاه آمده عکس‌ها «در سال ۵۷ در کارخانه‌هایی مانند مالیبل و زیرمجموعه‌های مارگرین از جمله خروس‌نشان و خلیج گرفته شده و اولین‌بار در سال ۱۳۵۸ در مرکز هنری باغ فردوس با عنوان «کار و کارگر» به نمایش درآمده است». عکس‌هایی که گویی از دل سال‌های پرحادثه‌ی انقلاب، سوار بر ماشین زمان شده و ۴۲ سال بعد در گالری‌ای در تهران مجدداً به‌روی دیوار رفته‌اند.

۱. انقلاب ۵۷

در نگاه نخست با شکلی کلاسیک از عکاسی مستند روبرو هستیم. حدود ۱۷ تصویر سیاه و سفید و ۱۲ تصویر رنگی از حضورکارگران در فضای کارخانه و چند کنتکت‌شیت رنگی و سیاه و سفید در محیط خانه و در کنار خانواده‌هایشان. تصاویری که یادآور سنت کلاسیک عکاسی مستند هستند که رد آن را می‌توان از سال‌های پایانی قرن نوزده و در آثار کسانی چون جیکوب ریس[۱] تا مستندنگاران معاصری چون گروه اگزیت فتوگرافی[۲] پی گرفت. دوربینی که کنجکاو تماشای «دیگری» ست. تماشایی که گاه شکلی همدلانه دارد،

[۱] Jacob Riis (۱۸۴۹-۱۹۱٤)

[۲] Exit Photography

گاه مدعی نگاه خنثی و بی‌طرف بوده، گاهی به نیت ثبت و بایگانی تاریخ پا پیش می‌گذارد و گاه با نگاهی استعمارزده بدل به نوعی توریسم طبقاتی می‌شود. اما نیت عکاس هرچه باشد به نقل از سونتاگ[۳] «موضوع سورئالیستی ازلی آن است که: نیمه دیگر چگونه زندگی می‌کند»*. تصاویر نوشیروانی هم از این قاعده مستثنی نیست. بیننده همراه با دوربین او به تماشای زندگی کارگران در مقطعی خاص از تاریخ می‌نشیند. و به همین دلیل است که نمی‌توان این عکس‌ها را کاملاً خارج از بستر زمانی تولیدشان بررسی کرد. عکس‌ها متعلق به سال نخست انقلاب ایران هستند. انقلابی که انقلاب مستضعفان نامیده می‌شد. سال‌های آغازین انقلاب ایران یکی از معدود مقاطع مهم تاریخی برای جنبش‌های کارگری به شمار می‌رود. تشکل‌هایی که چنان قدرت گرفته بودند که توانستند با اعتصاب‌های سراسری و حضور فعال خود در اعتراضات، نقشی موثر در تغییرات تاریخی آن دوران ایفا کنند. نوشیروانی در همین زمان به سراغ کارگران رفته است. آدم‌ها- کارگران در تصاویر او هم‌تراز با دوربین، گاه دسته‌دسته و گاه تنها، همگی دست از کار کشیده و با نگاهی خیره و پرقدرت به دوربین، به مخاطب، به زمان خیره شده‌اند. شبیه به تصاویر یادگاری پیش از فتح.

[۳] Susan Sontag (۱۹۳۳-۲۰۰٤)

از این نظر عکس‌های کارخانه در تضادی روشن با عکس‌های خانوادگی قرار دارند. در این‌جا (تصاویر خانوادگی) دیگر خبری از آن نگاه فاتح و پرقدرت نیست. این عکس‌ها گرچه از نظر فرم و چیدمان یادآور برخی تصاویر واکر اونز[۴] هستند، بیشتر به آن اجبار و بی‌اختیاری شهروندان درجه چندم در تصاویر ثبت‌احوال می‌مانند. و دوربین نوشیروانی این‌جا نتوانسته آن نگاه طبقاتی-توریستی را، که خود تشدیدکننده و تحمیل‌کننده‌ی فاصله اجتماعی است، پنهان کند.

۲. چهل و دوسال بعد

اما این عکس‌ها برای مخاطب امروز و به دور از زمینه تاریخی‌شان چه مفهومی دارند؟ همانطور که سکولا[۵] می‌گوید تماشای تصاویر بدون فهم تاریخی، آن‌ها را به ابژه زیبایی شناختی بدل می‌کند. عکس‌ها در سفری چهل و دو ساله دوباره در تهرانی به نمایش درآمده‌اند که تصویر جمعی مردمانش از کارگر نه این نگاه پیروزمند و فاتح که بدنی آویزان از طناب در میدان نفتی هویزه است؛ همان امید بربادرفته‌ای که در بیانیه

[۴] Walker Evans (۱۹۰۳-۱۹۷۵)

[۵] Allan Sekula(۱۹۵۱-۲۰۱۳)

مجموعه ازآن یاد شده است. و این فاصله‌ای است که زمان میان نگاه مخاطب و عکس‌های تاریخی ایجاد می‌کند.

عکس‌ها همچنان مدعی اصالت‌اند اما اصالتی از جنس اشیاء موزه؛ نمایش داده شده برای مخاطبانی که این‌بار نه کنجکاو سرک کشیدن به واقعیت‌های زندگی «دیگران» که مشتاق سرکشی به پستوهای تاریخ‌اند. و عکس‌ها به محملی تبدیل شده‌اند برای «بازسازی گذشته، همچون مکانی برای تفریح گردشگران»**. و کارگران، این انقلابیون دیروز، همچون قهرمانان سینمایی‌ای که دربرابر دوربین قدبرافراشته و ژست گرفته‌اند، به چشم می‌آیند.

مجموعه‌ی «به ما نگاه کنید» داعیه و فرم مستند دارد اما بعد از حدود نیم قرن از عکس‌برداری آن، در گالری‌ای به نمایش درآمده که در رویکرد کلی خود هرگز چندان تمایلی به عکاسی مستند نداشته است. و مخاطب امروز آن با تجربیات و تعاریفی متفاوت، هم نسبت به حوادث مقطع تاریخی تصاویر و هم مفاهیم مستتر در آن‌ها، به تماشای این عکس‌ها به عنوان «شاهدانی غیرقابل اعتماد»***از گذشته‌ای نه چندان دور، نشسته است.

*سونتاگ، سوزان. ۱۳۹۸. درباره عکاسی. مترجم: نگین شیدوش. حرفه: نویسنده

** گراندبرگ، اندی. ۱۳۸۹. بحران واقعیت درباب عکاسی معاصر. ترجمه: مسعود ابراهیمی مقدم، مریم لدنی. فرهنگستان هنر

***Roland Barthes(۱۹۱۵-۱۹۸۰)